

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکبیریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdulgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا ۳۹۰

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۷ آذر ۱۳۸۶، ۲۸ نوامبر ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکبیریان abdulgolparian@yahoo.com

”شورای ملی صلح“: دوم خرداد در شرایط جنگی!

این خلاصه میشود که جمهوری اسلامی با حفظ ”انرژی هسته ای حق مسلم ماست“، از لگد پرانی های اسلامی و مزاحمت برای غرب و آمریکا دست بردارد و کمی عطر و گلاب ”حقوق بشر“ به خود بزند، و در عوض آمریکا و غرب هم دست از تهدید جنگ و تحریم و فشار سیاسی بردارند و با این ”جمهوری اسلامی دوم“ در صلح و صفا زندگی کنند. این ادامه پروژه های شکست خورده ”گفتگوی تمدنها“ و ”سید خندان“ و بعد ”زن مسلمان برنده جایزه صلح نوبل“ و ”خاتمی مونث“ است که حالا در شرایط جنگی با بسته بندی ”صلح و حقوق بشر“ عرضه میشود.

صفحه ۲

در روزهای اخیر شیرین عبادی همراه با تعداد دیگری از شخصیت های ملی مذهبی و دو خردادی های خارج از حکومت، و با حمایت سازمان آبرویافته ”اکثریت“، طرحی تحت نام ایجاد ”شورای ملی صلح“ را اعلام کرده است. این صف یکبار شکست خورده اپوزیسیون پرو رژیمی حالا قرار است به بهانه جنگ و با شعار ”جنگ نه، صلح و حقوق بشر آری“ باردیگر سر و سامانی به خود بدهد و تلاش کند تا يك جمهوری اسلامی ”خوش خیم“، ”حقوق بشری“ و ”دمکراتیک“ را بعنوان راه نجات به مردم عرضه کند!

تمام ”صلح خواهی“ حضرات در



مهروش موسوی

آنچه در ماجرای حمله ارتش ترکیه ارجح است، منافع ”اقلیم کردستان عراق“ است. اینها گرچه منتظر نشستنند ببینند دقیقا آمریکا چه خواهد کرد، ولی برایشان روشن بود

صفحه ۲

استرداد مسئولین پ ک ک و شکاف در صفوف ناسیونالیسم و قوم پرستی کرد!

زحمتکش، حزب دمکرات و دیگران فرموله شد این بود که پ ک ک دارد حق حاکمیت ”کردها“ در عراق را با نگه داشتن خودش در بلندیهای قنبدلی به خطر می اندازد. خطاب این سیاست، توده مردم در کردستان عراق و یا ایران نبودند. مخاطب این سیاست دولت آمریکا، ترکیه، ایران و شبکه حاکمان مفتخور کردستان عراق بود. صلاح مهدتی رسماً از این سخن گفت که

در آغاز حمله ارتش ترکیه به نیروهای پ ک ک و حتی ورود آنها به کردستان عراق ناسیونالیستها دو عکس العمل هم زمان با هم را آگاهانه به پیش بردند. استراتژی بند و بست در بالا و عوامفریبی قوم پرستانه در پایین. این استراتژی بدین نحو بروز یافت که:

۱. اولین برخوردی که توسط مسئولین و حاکمان کردستان عراق و جریانات نزدیک به آنها در باند

زنده باد ۱۶ آذر سرخ و سراسری! ”آزادی، برابری، هویت انسانی“

صفحه ۳



صفحه ۴

مصاحبه سامرند صالحی با رادیو برابری در مورد وضعیت محمود صالحی

صفحه ۵

ساوا

آنچه از دل برآید لاجرم بردل نشینند

صفحه ۶

اخبار کارگری از کردستان

صفحه ۶

کارگران نیرو رخس سندانج همچنان در اعتصاب بسر می برند

صفحه ۷

چرا خواندن کاپیتال لازم است؟ به رسم یاد بودی از ۸ یکشنبه با کاپیتال مارکس!
صفحه ۸



سامرند صالحی

محمود صالحی فراموش شدنی نیست فراموشش نکنید!

اولین باری که بیاد دارم (پدرم) محمود صالحی زندانی شد سال ۷۴ بود یعنی دوازده سال پیش. همراه با یکی از دوستانش دستگیر و مدتی در زندان بود! بار دوم ۷۸ و ۷۹ بود که همراه با چند نفر از دوستانش مدت دوماه ونیم در سلولهای اداره اطلاعات ماندگار شد! پاییز همان سال ۷۹ بار دیگر دستگیر و مدت ۸ ماه زندانی شد. اول ماه مه ۸۳ همراه با دهها نفر از کارگران

دستگیر و نزدیک به دو هفته زندانی اش کردند! حالا هم بار دیگر دستگیر و نزدیک به هفت ماه است در زندان سندانج زندانی و دارد مدت محکومیتش را میگذراند!

در این سالها تفریح و ایام شادی من و برادرم یا ملاقاتهای چند دقیقه

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

استرداد مسئولین پ ک ک و شکاف در ...

از صفحه ۱

که آمریکا می‌خواهد رسماً پ ک ک را وسط زمین و هوا ول کند. آمریکا منافعش را در هم پیمانی با دولت ترکیه به سرویس گرفتن از پ ک ک ترجیح داده است. لذا صدای زمین خوردن پ ک ک را جلال طالبانی و مسعود بارزانی شنیدند و به همین خاطر ابتداءً با ملاحظه و به تدریج صراحتاً از این دم زدند که حضور نیروهای پ ک ک در بلندیهای قندیل به ضرر آنهاست. وقتی برایشان مسجل شد که پ ک ک افتاده است، همانند سیاست لاشخورانه همیشگیشان، آمدند تا سهمی ببرند. طبق اخبار رسمی منتشر شده، مقامات اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق اعلام کرده اند که بزودی مسئولین پ ک ک را که به اسارت گرفته اند، تحویل دولت ترکیه خواهند داد. شایع است که پاره ایی از افراد پ ک ک برای انتقامجویی از این سیاست، اقدام به ترور مسعود بارزانی کرده اند. اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق این شایعه را تکذیب کرده اند. خود این واقعه نشان داد که بند و بست کردن جزو انتگره کلیه جریاناتی است که این جنبش ناسیونالیستی و قوم پرستی را شکل داده اند... اینها حاضرند با هر کسی بسازند. فرق نمیکنند. دولت ایران باشد، دولت ترکیه باشد، دولت آمریکا باشد، پ ک ک باشد، راست جنبش ناسیونالیستی در ایران باشد، چه باشد. فرقی ندارد. معامله کردن راه امرار معاش اینها و پیشبرد سیاستهایشان در این منطقه است. چرا که افق سیاسی و اجتماعی باثباتی ندارند. تحریک سیاسی طبقات اجتماعی وجود آنها را ضرور نکرده است. اعلام رسمی استرداد مسئولین پ ک ک صرفنظر از عدم نزدیکی مردم به این حزب در میان آنها نفرت و انزجار ایجاد میکند. هم در کردستان عراق، هم در کردستان ترکیه، هم در کردستان ایران باعث ایجاد نفرت و انزجار عمیق از فرعونهای حاکم و معامله گر در کردستان عراق و هم پیمانانشان میشود.

۲. دومین برخورد، عوامفریبی

سادگی آن را بتوان در نزد مردم توجیه کرد. در دلانهای تعویض دلار با خون کارگر گرسنه ارییل و سلیمانیه میشود که طالبانی و بارزانی و حاج آقا بختیار و... با امثال صلاح مهتدیا و با پادویی عبدالله مهتدی و هجری و... با هم در این باره گپ بزنند اما در دنیای واقع اینها مدام سعی کرده اند روی ستم ملی همین دولتهای شوینیست منطقه سرمایه گذاری کرده به اسم مقابله با آن، فدارالایسم، قوم پرستی و ارتجاع ناسیونالیستی را دامن زده، آن را دستمایه به قدرت رسیدن خود بکنند. وجود ستم ملی برای اینها یک مانده آسمانی است. برای همین هم میخواهند با "فدرالیسم" نهادینه اش بکنند. تصورش را بکنید اگر ستم ملی و بهانه کردن به "قوم" نبود کی میتوانستند در شمال عراق کاخهای فرعونیی بسازند، جایی که به طبقه کارگر کردستان یک دور جدیدی از استثمار و بازتولید سرمایه ها را با یک فقر بیسابقه درست وسط سناریوی سیاه در عراق تحمیل کرده اند. کجا میتوانستند از قبل آوارگی مردم به قدرت برسند؟ اینها وجود مبارزه مشروع مردم علیه شوینیسم و ستم ملی را دستمایه بالا رفتن خود از نردبانهای ترقی در کردستان عراق کرده اند، آرزویی که هجری و مهتدی و غیره خوابش را فعلاً می بینند. اینها کاری کرده اند که در شهر سلیمانیه در یک طرف خیابان دلان فروش اطلاعات و جاسوسی به اسم "ملت کرد" ایستاده اند، طرف دیگر آن کارگران گرسنه کردستان عراق که کردستان ایران را هم به خود به خاطر فقر و فلاکت ملحق کرده است. اینها برای توجیه حاکمیت کثیف خود به ستم ملی و دست آویز قرار دادن آن محتاجند. هم از این جهت در این دوره نیز با وجودیکه خودشان پشت درهای بسته زد و بند میکردند که نیروهای پ ک ک و شریک دزدی و غافله شان را با کمک ارتش ترکیه از سویی و نیروهای ایران از سوی دیگر بفروشد و با آنها معامله بکنند، از سوی دیگر با ریاکاری تمام در رسانه های کرایه ایشان دم از ستم بر "ملت کرد" در ترکیه و ناچاری پ ک ک میزدند. این سیاست به نفس تناقضی که دارد در نزد توده های مردم با نفرت و انزجار بیشتر مواجه

صفحه ۳

"شورای ملی صلح" ...

از صفحه ۱

اگر جمهوری اسلامی و غرب نتوانستند با آنهمه خرج و تبلیغات، این پروژه ها را در دوره "گل و بلبل" دوم خرداد به مردم بفروشد، حالا سعی میکنند با تهدید جنگ و مخاطراتش زمینیه مقبولیتش را فراهم کنند. هنوز جنگی شروع نشده، "برکات الهی" آن برای جمهوری اسلامی از آسمان فرو میریزد! قرار است مردم دست از مبارزه و حق طلبی و سرنگونی طلبی بردارند و به سیاهی لشکر صلح و سازش حکومت آمریکا و حکومت اسلامی علیه خودشان تبدیل شوند!

زمینه این ابتکار جنگی اپوزیسیون ملی اسلامی، بالا گرفتن اختلافات و جدالهای درونی جمهوری اسلامی ناشی از بحران همه جانبه این رژیم و در آستانه مضحکه انتخابات و تحریک سیاسی خاتمی و کروی و رفسنجانی در مقابل احمدی نژاد و خامنه ای است. بی دلیل نیست که شورای صلح کاذبی با یک دو قلو بنام "کمیته انتخابات آزاد"، که مبتکر آن هم شیرین عبادی است، متولد شده است. "شورای ملی صلح" نهایتاً تلاشی برای احیا و متحد کردن نیروهای اپوزیسیون پرو رژیم (از نهضت آزادی گرفته تا اکثریت و انواع "جمهوری خواهان ملی") بر علیه "جناح تمامیت خواه" رژیم اسلامی با پا در میانی مردم منزجر از جنگ است. "شورای ملی صلح" به یک معنی ستاد انتخاباتی خانم عبادی و شرکا برای حمایت از سر کار آمدن آخوندهای "حقوق بشری" و "دمکراتیکی" مثل رفسنجانی و خاتمی است.

تا وقتی جمهوری اسلامی بر سر کار است - چه هنگام مناقشه و جدال و جنگ تروریست های

اسلامی و تروریسم دولتی غرب، و چه در دوره مصالحه و سازش و همکاری ایندو با هم - سهم مردم ایران جز فقر و فلاکت و زندان و اعدام و سنگسار و حجاب و آپارتاید جنسی و بی حقوقی نیست. همین مردم اما یکبار دوم

خرداد و همه پروژه های نجات رژیم اسلامی (از خاتمی تا عبادی و غیره) را با ۱۸ تیرها و کنفرانس برلین ها و اعتصابات کارگری خود شکست داده اند. نه فقط شکست دادند که "سونامی" احمدی نژادی اش را هم عقب رانده اند و اکنون هر روز بیش از روز قبل چپ و سوسیالیسم و رادیکالیسم و آزدیخواهی در جامعه سر بلند میکنند. به حضرات مدافع حفظ و نجات رژیم اسلامی اطمینان میدهم که این مردم و این جنبش بالنده آزادی و برابری که یکبار ایشان را شکست داده است، در دوره تهدیدات جنگی و عربده کشی دو قطب تروریستی اسلامی و دول غربی، مصمم تر و محکم تر به میدان خواهد آمد. به میدان خواهد آمد علیه جنگ و تحریم اقتصادی، علیه جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی، علیه میلیتاریسم دول غربی، علیه سیاست های نظم نوینی، علیه هر نوع ناسیونالیسم، علیه هر تلاشی که بخواهد به نام جنگ یا صلح مردم را پس بزند و جنایتکاران را توجیه کند. ما به این دوستان اپوزیسیون پرو رژیم توصیه میکنیم که از شکست دوم خرداد درس بگیرند و از توجیه رژیم اسلامی و تقلاهای احیا و ثبات و تقویت جمهوری اسلامی دست بردارند. مردم ایران از جنگ متنفرند و از بانیمان جنگ و عوارض فضای جنگی هم منزجرند و حاضر نیستند به سیاهی لشکر دشمنانشان تبدیل شوند. برای پایان دادن به خطر جنگ و ناامنی و فلاکت، کارگران و مردم ایران میدانند که راهی جز گسترش مبارزه رادیکال برای به شکست کشاندن سیاستهای جنگ طلبانه دو قطب تروریستی و سرنگونی جمهوری اسلامی وجود ندارد.

آزادی، برابری،
حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ نوامبر ۲۰۰۷
۲۹ آبان ماه ۱۳۸۶

استرداد مسئولین پ ک ک و شکاف در . . .

از صفحه ۲

میشود. در خود صفوف ناسیونالیسم کرد هم در عراق و هم در ایران شکاف و بحران را عمیقتر میکند. امروز نمیتوانند جلو رویت کردن این تناقض را جلو چشم مردم بگیرند. نمیشود آن را لاپوشانی کرد. خود این تناقض جدا کردن توده مردم در کردستان عراق را از بختک ناسیونالیسم آسانتر میکند. شکاف منفعت و سیاست طبقه کارگر و تقابل آن را با این احزاب ارتجاعی و حکومت ساخته و پرداخته شان را تعمیق یافته تر و آسانتر میکند. برای طبقه کارگر در کردستان ایران دیگر امروز مثل خورشید حقیقتی غیر قابل انکار است که مدینه حکومت فدرالیستی امثال طالبانی و بارزانی بجز یک حکومت عشیره ای، قومی و بیچاپ و فاسد و معامله گر چیز دیگری نیست. کسانی که ۲ سال پیش در اربیل و

سلیمانیه با پول و حمایت خود این مرتجعین سمپوزیوم برای "حقوق زن در کردستان ایران" میگرفتند، آبرویشان پاك رفته است. درست در زمانی که مسئولین پ ک ک را خود اینها میگیرند، کت بسته تحویل ارتش ترکیه خواهند داد، جلال طالبانی خودش را برای آزادی تروریستهای ایرانی در عراق به در و دیوار زد. درست در زمانی که تصمیم گرفتند پ ک ک را از قندیل بیرون کنند، به اسارت بگیرند و رویشان معامله بکنند، بعوض برای تروریستهای اسلامی ایران سفارتخانه باز کردند! این دو با هم کاملاً در ارتباط است. با حمایت مستقیم جلال طالبانی، بارزانی و احزاب مرتجعشان و در همراهی با دولت جنایتکار ایران بنا به طرحی که منوچهر متکی در نشست ترکیه ارائه داد، کنار دست سازمان زحمتکشان، حزب دمکرات، حزب

کمونیست کارگری عراق، رهبری ویلان و سرگردان حزب حکمتیست، حزب کمونیست ایران، لانه جاسوسی تروریسم اسلامی گشوده شد. جالب است که اینها خودشان علیه باز کردن سفارت رژیم "اطلاعیه" میدهند. به کی؟ مگر امروز فهمیده اند که دست طالبانی و بارزانی در دست سپاه پاسداران و قدس و آقازاده های آنها در کردستان عراق است؟ اینها خودشان میدانند. برای همین هم حتی جرئت نمی کنند که اعتراض کنند! مستقیم اعتراض کنند. شیر آب را به رویشان میبندد. برای همین به جای محکومیت صریح جلال طالبانی، بارزانی، اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق در همدستی آشکارشان با رژیم ایران به این اکتفاء میکنند که با زبان سنتی قوم و قبیله ایی با غمزه و کنایه بگویند "مسئولیت آن پای احزاب اینجاست!" این سیاست هم در درون خود صفوف اتحادیه میهنی و ناسیونالیسم کرد شکاف ایجاد میکند و هم احزاب منتظر نشسته

دره زرگوز و حاشیه سلیمانیه را با بحران و شکاف میان رهبری و بدنه تشکیلاتشان مواجه میکنند. ناسیونالیسم کرد باید جوابی پیدا کند که چگونه هم با دول و ارتشهای شوینست، ضد کارگر و ضد مردم میسازد و هم به تن سیاستهای خود لباس "همه با هم" و مبارزه برای حقوق "ملت کرد" کرده است؟ چگونه میشود با رژیم اسلامی ساخت و برایش لانه جاسوسی باز کرد و هم با راه و جا دادن به احزاب "اپوزیسیون" مدعی حمایت از "خلق کرد" بود؟ یا این اپوزیسیون بودن غلط است، یا آن حمایت و یا هر دو!!

این شکاف در افق ناسیونالیستی، در تصویر و کاراکتر این احزاب آنها را با درگیری و بحران بیشتر مواجه خواهد کرد. خود این تناقض هم باعث ضعیفتر شدن آنها و هم لذا مجرای برای عروج طبقه کارگر و آلترناتیو کمونیستی و کارگری در این منطقه خواهد بود. آلترناتیوی که از رهبران سازشکار، بند و بست و مرتجع عبور خواهد کرد. مدتهاست که طبقه کارگر بویزه

در کردستان عراق در تب عروج یک جریان رادیکال، رهبری کارسماتیک انقلابی و رادیکال که باجی به این وضعیت نمی دهد میسوزد. متأسفانه به رسم سنتی این جریانات قومی، ماتریال انسانی کمونیسم کارگری که میتواند پاسخی به این خواست تاریخی طبقه کارگر باشد خود در معامله و بند و بست با طالبانی، بارزانی و ملا بختیار فروخته شد. سر بلند کردن مجدد کمونیسم کارگری در عراق فقط و تنها با نقد صریح این پروژه و رودرویی آشکار با احزاب ارتجاعی کنونی مقدر است. سهم باندهای قومی و احزاب ارتجاع ناسیونالیستی در ایران از هم اکنون ایزولاسیون بوده است. اینها در چمبره خود شکاف صفوفشان به تحلیل خواهند رفت و فرو خواهند پاشید. امروز فقط دلار آمریکایی و رفت و آمدهایشان آنها را سر پا نگه داشته است، نه اینکه ضروریات مبارزه اجتماعی طبقات در جامعه وجود آنها را موجه کرده باشد. * * *

زنده باد ۱۶ آذر سرخ و سراسری! "آزادی، برابری، هویت انسانی!"

دانشجویان سراسر کشور!

سه چهار سال گذشته، ۱۶ آذر با برافراشتن شعار "آزادی و برابری"، "نان و آزادی برای همه" و "سوسیالیسم یا بربریت"، با شعارهایی علیه حجاب و آپارتاید جنسی، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای آزادی تشکل و فعالیت سیاسی، با تاکید بر همبستگی دانشجویان با جنبش کارگری و جنبش رهایی زن، زبان گویای خواست ها و تمایلات جامعه ایران بوده است. در اوضاع خطیر امسال ۱۶ آذر باید وسیع تر و پر قدرت تر و شفافتر از همیشه نماینده اعتراض مردم ایران باشد.

جوهر تحولات کنونی بر خلاف هیاهویی که بالایی ها و اپوزیسیون غیر کارگری حول "جنگ" و "صلح" راه انداخته اند، در واقع تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی است. دو راه حل اصلی برای حل بحران جمهوری اسلامی در برابر هم صف

آرایی میکنند. راه حل کارگری، راه حل بورژوازی، راه حل انسانیت، راه حل بربریت. کسانی میخواهند جمهوری اسلامی را تحت لوای "صلح و حقوق بشر" تطهیر کنند، کسانی تحت شعار "نه جنگ" عملاً مردم را به تمکین به وضع موجود و رژیم موجود فرا میخوانند و یا کسانی بند پوتین هایشان را سفت میکنند که اگر جمهوری اسلامی نوع دوم افاده نکرد، زیر باران بمب ها و کروزها برای "رژیم چنج" وارد عمل شوند. در برابر این صف بربریت، صف انسانیت ایستاده است. کارگران و زنان و جوانانی که نه رژیم اسلامی را میخواهند، نه وضع موجود را تحمل میکنند، نه جنگ و رژیم چنج حضرات را میخواهند و نه حاضرند به زور هیاهوی ضد جنگ با رژیم صلح کنند. در دنیای واقعی تمام کسانی که از جمهوری اسلامی حمایت میکنند، خواهان حل بحران جمهوری اسلامی از بالای سر مردم هستند، تمام کسانی که با هیاهوی

"ضد جنگ" و "سناریو سیاه" و غیره مردم را به عقب صحنه می فرستند، خود یا بدترین جنگ طلبان اند و یا با از میدان بدر کردن مردم به جنگ طلبان و دشمنان مردم خدمت میکنند. تا وقتی جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی در یکسو و آمریکا و میلیتاریسم دول غربی در سوی دیگر هستند، خطر جنگ وجود خواهد داشت و باید با آن مقابله کرد. اما کسی که واقعا "ضد جنگ" است و برای "صلح" تلاش میکند باید صدار قاطع تر برای متشکل کردن مردم علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی و برابری و برای سرنگونی انقلابی رژیم حاکم و برقراری جمهوری سوسیالیستی تلاش کند و به صف انسانیت پیوندد.

۱۶ آذر امسال باید عرصه برافراشتن شعارها و مطالبات صف انسانیت، صف آزادی و برابری و سوسیالیسم در برابر وضع موجود باشد. هم اکنون نیروهای راست و پرو

رژیم در دانشگاه میکوشند تا در پناه تهدید خطر جنگ و هیاهویی که اپوزیسیون غیر کارگری راه انداخته است، چه بطور فیزیکی و چه از لحاظ سیاسی در برابر ۱۶ آذر سوسیالیستی صف آرایی کنند. اما ما قبلاً هم دیده ایم که چپ و رادیکالیسم در دانشگاه دست بالا دارد. امسال با توجه به اتفاقات ۱۶ مهر (اعتراض در برابر حضور احمدی نژاد) و ۳۰ مهر (تظاهرات برای آزادی زندانیان سیاسی) و با توجه تحرك چشمگیر دانشجویی در شهرهای مختلف، و با توجه به اوضاع سیاسی جامعه و گسترش



اعتراضات کارگری و توده ای علیه جمهوری اسلامی، انتظار میرود که ۱۶ آذر حتی پر قدرت تر و سوسیالیستی تر از همیشه باشد. ما دانشجویان سراسر کشور را فرامیخوانیم که با تمام قوا برای برپایی ۱۶ آذر سوسیالیستی تدارک ببینند و زمینه یک اتحاد و همبستگی و تشکل سراسری دانشجویان را فراهم آورند.

زنده باد ۱۶ آذر سرخ و سراسری
نه جمهوری اسلامی، نه جنگ،
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
سازمان جوانان کمونیست ۲۶
نوامبر ۲۰۰۷

مصاحبه سامرند صالحی با رادیو برابری در مورد وضعیت محمود صالحی

متنی که مشاهده میکنید گفتگوی رادیو برابری بتاريخ شنبه ۳ آذر، ۲۴ نوامبر با سامرند عزیز فرزند ۱۷ ساله محمود صالحی فعال کارگری است که توسط ناصر احمدی تایپ و پیاده شده است.

یک توضیح کوتاه هر جا که این علامت (،،،،) را میبینید به این معنی است که من نتوانسته ام خوب بشنوم و امانت دارانه پیاده و تایپ کنم و کلماتی هم که در داخل این پارانتز ها و در لابلای کاماها می بینید، بدین منظور نوشته ام که شاید خود شما خوانندگان عزیز بتوانید محتوای خوب شنیده نشده را از روی آن بهتر حدس بزنید. با تشکر ناصر احمدی

رادیو برابری - سلام گرم دارم به

شما سامرند عزیز. اخیرا شما نامه ای خطاب به مردم، خطاب به آزادیخواهان و خطاب به دستداران آزادی نوشته اید و در آن اشاره کرده اید به وضعیت پدرتان، اشاره کرده اید به سالی که در زندان بوده و مشکلاتی که کشیده است و از وضعیت خودتان و مادرتان نوشته اید. میخواستم از زبان خودتان این شرح حال را بشنوم. اکنون اگر لطف کنید و از آخرین وضعیت پدرتان برای ما بگویید من خیلی خوشحال میشوم، ممنونم.

سامرند - سلام، بله من در خدمت ۰۰ به همانظوری که در نامه هم شرح داده ام، خطاب به مردم آزادی و برابری خواه، برای افرادی که برای طبقه کارگر و برای بهبود زندگی بشر تلاش میکنند شرح داده ام، من از همان وقتی که بیاد دارم و از همان وقتی که به دنیا آمدم، از همان اول حداقل هر چهار سال یکبار من پدرم را (،،)، حتی بمدت یکسال (،) در زندان دیده ام، و از همان وقتی که چشم به دنیا گشودم از همان زمان، چغوری بگم! شادیهای خوشیهای من همه اش وقتی بوده که به ملاقات بابام میرفتم و با بابام حرف میزد، چون من بیشتر وقتهایی که با بابام بودم لحظه هایم بیشتر در زندان بود بجای اینکه با

زندان میخوردن (،،)، اثر میکرد، ولی الان دیگه با وضعی که در زندان دارن (،،،، ۲۰۰ میلی،،،، و در کنار این، تازه باید قرص دیگری هم بدهند تا فشار خون ایشان حداقل، حداقل بیاید روی ۱۸ اما،،،، نمیاید (پایین)،،،،، اصلا این مرضی فشار خون و قلب و کبد و اینها مرضی نبوده که ایشان داشتن، اینها فقط بخاطر کلیه های ایشان است که اینجوری شده، چونکه اصلا یکی از کلیه هاشون را در آوردن سال ۶۵، و یکی دیگه هم الان پنج درصد کار میکنند، بهمین خاطر الان به مرضی قلب ایشان فشار اومده و به کبدشان هم فشار اومده بطوری که اگر با سوند نباشه نمیتونن ادارشان را انجام بدن، و باید حتما عمل بشه پروستاتشون، ولی برای عمل پروستات هم حداقل باید یک هفته در بیمارستان باشن، ولی دادستانی اصلا اجازه نمیده که (،،،،) بیاین بیرون و ببرن بشون بیمارستان. الان مطمئنم که به ایشان این اجازه را نمیدن، ما منتظریم که این حکمشون تمام بشه و بتونیم این کارها را انجام بدیم براشون.

رادیو - حالا وضعیت پرورد ایشان چطوره؟ آیا در این روزهای آخر هیچ ملاقاتی داشتید؟

سامرند - تعادل حالشون که بهم خورده. یکوقت میبینید که فشار خونشون میره بالا، البته هر روز به درمانگاه بیمارستان زندان مراجعه میکنن و در اونجا فشار خونشون تحت نظره، ولی یک وقتهایی میشه که فشار خون میره بالا و (،،،،) و اصلا دیگه،،،،، و باید حتما ببران به بیمارستان).

رادیو - میروند به بیمارستان یا بهداری یا اینکه ۲۰۰؟

سامرند - نه! آگه حالشون خیلی بد باشه میرن بیمارستان!

رادیو - وضعیت روحی پدرتان چطوره سامرند جان؟

سامرند - وضعیت روحیشون طوری هست که (،،،،) اصلا شاید بگویم اگر بیرون هم بودن این روحیه رو نداشتن. (،،،،) ایشان اصلا از لحاظ روحی هیچوقت و هیچ جا ناراحت نبودن و کم نداشتن و همیشه یک روحیه بالایی داشتن تو زندان، یعنی آگه این مرضی نبود ما هیچکدامون واقعا براشون ناراحت نبودیم چونکه روحیه بالایی در زندان دارن، اصلا روحیشون با

همه کسان فرق میکنه!!

رادیو - متوجه هستم سامرند جان. شما یک برادر دیگری هم دارید که در نامه تان به او و وضعیت مادرت اشاره کرده ای و به نگرانیها و زحمتهایی که مادرتان میکشد، چطور اداره میکنید، زندگی چجوری میگذرد برای شما سه نفر؟

سامرند - زندگی برای ما سه نفر (،،،،) ۰۰ برادرم که داره درس میخونه و هنوز چند سال دیگه هم داره که درسشو تموم کنه، او سن زیادی نداره (،،،،) ۰۰ او هم باید به درساش برسه - منو مامانم هم که سنگینی بیشتر زحمانی که اونموقع بابام برای ما میکشیدن افتاده رو دوش مامانم، بجای اینکه تو خونه باشن کار بیرون ما رو هم انجام میدن، بیشتر کارهای مارو هم مامانم انجام میدن و کار ایشون هم الان دوربرابر شده!!

رادیو - سامرند جان میتوانم بپرسم شما چند ساعت است؟

سامرند - ۱۷.

رادیو - هنوز ۱۷ سال داری!! و شما در بخشی از نامه تون نوشتین که پدرم را، محمود صالحی را فراموش نکنید! چرا فکر میکنید که محمود صالحی فراموش شده؟ در هر حال در تمام اعلامیه های نهادهای بین المللی و نهاد های کارگری که بیرون داده میشود اسم آقای محمود صالحی حذف نشده است، ولی باوجود این شما گفتید که محمود صالحی را فراموش نکنید! چرا چه علتی داشته؟

سامرند - من میخواستم که (،،،،) ۰۰ در این مدت کلا فشارهایی که برای آزادی ایشان میامده خیلی کمتر شده! اصلا یکماه قبل، دو ماه قبل در رسانه ها همه اش حرف ایشون بود، هر شب برنامه و صحبت ایشان را داشتن ولی الان کم شده، نامه هایی که به ایران میاد اصلا کلا کم شده، از طرف همه و همه افراد. خب، فراموش شدن که نه ولی (،،،،)، هیچوقت فراموش نمیشه ولی من بنظرم این فشارها برای آزادی ایشون کلا کم شده، یعنی آن حدی نیست که قبلا ها بود!!

رادیو - بهر حال اظهارات و فشارها از طرف مردم و نهاد ها (،،،،) اینقدر زود تاثیر نمیگذارد (،) و یکمرتبه ترتیب اثر داده نمیشود، یک بخش دلیلش هم

اینست، یعنی شما اگر ببینید، از جنبش کارگری و از جنبش های مختلف اجتماعی، افراد مختلفی الان توی زندان هستن.

سامرند - این درسته ولی چند هفته قبل (یک نفری، یک مسئولی از طرف،،،) به اینجا اومد، به دیدن خانواده آقای اسانلو، ولی ایشان هیچوقت پیش ما نیومدن و ما هیچکدمان او را ندیدیم!! اینها فقط با جمهوری اسلامی و خانه کارگر نشستند و دیدار کردند و رفتند!! واقعا اصلا برای من قابل درک نیست که وقتی ایشان برای دیدن خانواده های این دو نفر آمده اند (،،،،) در حالی که میروند با اینها بحث میکنند. خانه کارگر که هیچ ربطی به کارگر نداره و همه اش به ضرر اینها بوده.

رادیو - بله! بهرحال شما باید هرچه بیشتر و رساتر صحبتتهای و صدایتان را شنیدم و خوشحال شدم که این صحبتها را با رادیو طرح کردید. ما حتما صحبت های شما را پخش خواهیم کرد. سامرند عزیز، اگر صحبت دیگری دارید، اگر حرف دیگری دارید تریبون در اختیار شماست. قبلا هم با مادرتان صحبت کرده بودم اما اولین بار است که با شما صحبت میکنم. هرچی بنظرتان میرسد و فکر میکنید که لازم است بگویید.

سامرند - ممنون از اینکه شما با من تماس گرفتین و این گفتگو را با من کردین. من فقط میخوام بگم که تمام مردم و تمام زحمتکشان و تمام آنهایی که هم طبقه کارگر هستن همیشه از همدیگر حمایت کنن، هیچوقت پشت همدیگر رو ول نکنن، همیشه باهم متحد باشن تا بتونن به یک چیزی برسن، نه تنها الان بخاطر پدر من و یا بخاطر آقای اسانلو بلکه واسه تمام کارگران دنیا، و نه تنها در ایران و در اینجا بلکه کلا در تمام دنیا و برای تمام کارگران دنیا. من میخوام که متحد بشن و تشکل کارگری تشکیل بدن و همیشه باهم متحد باشن.

رادیو - ممنونم از شما، زنده باشید. شما هم سلام مرا به مادرتان و به تمام دوستانتان برسانید.

سامرند - منم از شما خیلی ممنونم.

آنچه از دل بر آید لاجرم بردل نشیند

سارا

هفته بسیج است و رژیم در تمام شهرها پلاکارد و پوسترهایی که گفته های ضدانسانی نمایندگان خدا روی آنها نوشته شده را در بالای میادین و اماکن عمومی و دولتی نصب کرده، شعارهای چندش آوری که باعث تشدید تنفر و انزجار مردم است. اجازه بدهید چندتا از آن شعارها را اینجا ذکر کنیم.

"محور حفظ جمهوری اسلامی احاد میلیونی بسیج است، بسیج لشکر مخلص خداست، مردان ایران مرد جهاداند، بسیج یعنی مغز متفکر و دل بالیمان، حالا که این شعارها را یادآوری میکنم حیغم می آید که کاغذ را با این جمله ها سیاه کنم واقعاً حیف کاغذ...

حالا برویم سراغ شعارها و از ماهیت ضدبشتری آنها بگوییم که تا چه حد در تناقض با معیارهای انسانی است. هنوز نمی دانم منظور از احاد میلیونی بسیج که قرار است محور حفظ جمهوری اسلامی باشد چیست!!!!، لاید آنهايي را می گوید که در مدارس به امید وعده دروغ امتیاز قبولی برای دانشگاه (که رفتن به دانشگاه و ادامه تحصیل حق مسلم هر کسی است) را مجبور میکند که کارت بسیجی بگیرند یا آنهايي که بخاطر اینکه از گرسنگی نمیرند و بتوانند از فروشگاههای بسیجی خوراکی بخور و نمیر را برای خانواده شان تهیه کنند در کمال سرافتادگی و ضدیت با وجودشان، سم نویسی کرده اند، یا کارمندی را که از ترس اخراج شدن و از کاربرکنارشدن آنها را مجبور به داشتن کارت بسیجی می کند، یا لاید آنهايي را می گوید که کارت بسیجی را که در اماکن دولتی حکم پاسپورت را دارد کارت را با خجالت نشان میدهند تا افراد دوروبرشان متوجه نشوند که شخص کارت بسیجی دارد و تنفر مردم را از خود باعث نشوند.

اما امروز برای هر کسی مشخص است که با وجود این ترفند ها هم کسی برایشان تره خرد نمی کند. همه می دانند که کارت بسیجی کارتی کاملاً فرمالیته و برای نمردن از گرسنگی است. اگر منظورش این افراد هستند که واقعاً خوش خیال است اگر فکر میکنند این افراد محور حفظ نظام هستند، افرادی که در تمام دوره حاکمیت ننگینش چماق سرکوب و اختناق آنها بوده، حالا به خیال اومحور حفظ نظام اوهستند!!!!!! اما برای همه مردم روشن است که هرگز اینها بسیجی نیستند و درکنار جمهوری اسلامی قرار نخواهند گرفت. بسیج تعدادی

از پاسدارها و جانورانی هستند که در زیرحاکمیت خدا و نمایندگان او، انسانیت را از یاد برده اند و مشغول سرکوب مردم و آزار و شکنجه آنها طبق دستورات الهی هستند. حالا که معنی بسیج روشن شد سراغ شعار دیگرشان می رویم "بسیج لشکر مخلص خداست"، بله بسیج لشکر مخلص همان خدایی است که طبق دستورات اسلامی با زور و شکنجه و شمشیر به جنگ انسان و انسانیت برخاسته است و ماهیت کثیف خود را به همه دنیا نشان داده است. خوب مسلم است این خدای خونخوار و اسلام خونخوار به لشکری مخلص و آماده برای کشتار انسانها و سر بریدن و دست و پا قطع کردن و رفتارهای شنیع دیگر که امروز تنها از اسلام و امثال او برمی آید نیاز دارد.

و اما شعار دیگرش "مردان ایران مرد جهاداند، طبق معمول در فرامین این حاج آقاها ی اسلامی، زن که آدم به حساب نمی آید و تازه مرد هم برای جهاد و کشت و کشتار است!!!!!!". شعار دیگرش "بسیج یعنی مغز متفکر و دل بالیمان"، این بسیجیهایی که مردم می بینند مغز متفکرشان تنها متفکر روشهای شکنجه و کشتن انسان بوده است و چیزهایی از این قبیل حقیقتاً از تاریخ انقضاء مغز متفکرشان ۴۰ سال میگذرد!! و اما منظور از ایمان، ایمان به همان خدایی که در بالا ذکر خیرش بود!!!!!! شعارها و فرمایشات نمایندگان خدا ماهیت شان همین است و حتی از این هم ضدانسانی تر.

باتوجه به همین شعارها و پلاکاردها ی میدان شهر می توان واقفیت این شعارها را دید که تا چه حد با اوضاع فلاکت بار امروز مردم تطابق دارد. در کنار یکی از این پلاکاردها مادری که در این سرما بچه دو ساله اش بدون لباس و کاملاً لخت را در آغوش گرفته بود سعی میکرد با انداختن گوشه چادرش او را بپوشاند، درحالی که از سرما و گرسنگی میلرزید به هر کس که از کنار او رد میشد التماس میکرد و می گفت "بچه ام گرسنه است و سردش است کمک کنید". در حالی که مبالغ هنگفتی صرف مراسم گرامیداشت هفته بسیج میشود چند قدم آن طرف تر و کنار یکی دیگر از این پلاکاردها پیرمردی پاهای لاغر و ضعیفش را دنبال خود میکشید تمام تنش در اثر باران خیس بود دستهایش را روی زمین گذاشته بود و با کمک دستهایش می توانست خود را کمی جابجا کند او هم به همین ترتیب چشم به راه کسی بود که

کمکش کند. دیدن این صحنه ها دقت نمی خواهد فقط کافی است که اولین قدم را از درب منزل به بیرون برداری و در اولین قدم این صحنه ها را خواهی دید. هرکس که بخواهد در خیابانهای شهر گشتی بزند و مردم را نگاه کند، اوج فلاکت و بدبختی را که مسبب آن حکومت اسلامی است می بیند. تا جایی که چشم کاری کند انسانها در بدترین حالت ممکن هستند و انسانیت زیر لگد مغزهای متفکر!!! بسیجی له شده است. مردم دارند خود را برای بقا در فضلی آماده میکنند که بخاطر سرما و گرسنگی و حتی نداشتن سوخت هیچ لذتی برایشان ندارد و مشغول جمع آوری سوخت زمستان هستند. برای ۲۰ لیتر نفت مدتها باید بدوند تا بالاخره با هزار خواهش و تمنا آن را دریافت کنند. در حالیکه خودشان صاحب ذخایر عظیمی هستند که در دست مغز متفکر و دل بالیمان!! بسیجیها است و بنا به دستور نمایندگان مخلص خدا از آن محروم اند چون سرنوشت آنها را خدا اینگونه رقم زده است!! . اکنون که رژیم اسلامی مشغول شاخ و شانه کشیدن در برابر امریکا است، اگر چشم داشتت به این افراد است که در کنار او قرار بگیرند، واقعاً خیال خوشی سر میکند!! . او می خواهد این بار هم پایه های قرتش را به بهانه جنگ با آمریکا تثبیت کند و می خواهد تجربه سالهای اول حکومت فاسدش را تکرار کند زمانی که جنگ عراق را وسیله ای برای تثبیت قدرتش کرد و به بهانه دفاع از آب و خاک و وطن، مردم را روی مین فرستاد و به آنها شربت شهادت!! داد و همزمان با آن مشغول سرکوب و ارباب مردم شد و با کشتار و اعدام و سرکوب، انقلاب سوسیالیستی مردم را به بیراهه برد.

اما حالا دیگر این ترفندها قدیمی شده و مردم به حقیقت سیاسی بودن شربت شهادت پی برده اند. امروز دست آنها برای مردم رو شده است و مردم از تاریخ درس گرفته اند و هرگز خود را وارد جنگ این دو قطب ترور و وحشت نمی کنند. راه مردم از اینها جداست. اکنون آنها با پرچم سرخ به میدان آمده اند و سوسیالیزم و برابری را فریاد می زنند. رهنمونهای و شعارهای انسانی چپ و سوسیالیزم و در راس آن حزب کمونیست کارگری را برای رهایی از جنگال این خون آشام ها برگزیده اند. شعارهایی که از انسانیت و رفاه و آسایش سخننا دارد و مردم با شنیدن آنها خیلی زود زودتر از آنکه رژیم فکرش را بکند بر دل مردم می نشیند و واقعاً آنچه از دل بر آید لاجرم بردل نشیند.

به امید یک دنیای بهتر

محمود صالحی
فراموش شدنی نیست . . .

از صفحه ۱

ای بوده و یا زمانی بوده است که از سلامتی محمود صالحی) پدرمان) مطلع شده ایم.

همیشه با دلداریهای مادرمان این زن مبارز به آینده امیدوار شده ایم و دوری از پدر برایمان قابل تحملتر شده است. مادری که مدت زیادی از زندگی مشترکش را صرف تلاش برای آزادی و کسب خبر از وضعیت شریک زندگی اش و پدر فرزندانش در زندان شده است!

ما، فرزندان، محمود صالحی درک کرده ایم که چرا پدرمان زندانی شده است! همراه با میلیونها نفر از کارگران جهان که همبستگی خود را با ایشان اعلام کرده اند به وجودش افتخار و برایش آرزوی موفقیت می کنیم!

ما خوب میدانم پدرمان تنها متعلق به اعضای خانواده اش نیست بلکه متعلق به همگی کسانی است که برای حق انکار ناپزیر کارگران مبارزه میکنند!

با این وجود ما نگران شرایط دردناکی هستیم که پدرمان در آن بسر می برد. محمود صالحی تا به حال نزدیک به هفت سال زندانی شده است و این سلامتی ایشان را به شدت به خطر انداخته است. حالا از درد تنها کلیه اش، پروستات و نارسائی شدید قلبی رنج می برد همین باعث شده است بار دیگر از اتحادیه ها، سندیکاهای کارگری در سطح جهان و از شما، کارگران، جوانان، زنان و مردان آزادیخواه بخواهیم که محمود صالحی را فراموش نکنید! چنین کارگر مبارزی فراموش شدنی نیست! پدر ما هیچ جرمی به جز دفاع از حقوق هم طبقه ای هایش و تلاش برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری نداشته است

ما، از شما میخواهیم بار دیگر همه با هم با تمام توان برای آزادی اش از بند تلاش کنیم

ویلاگ کارگر

<http://kaargar.blogfa.com/post-915.aspx>

**فعالین کارگری،
باید فوراً و بدون
قید و شرط
آزاد شوند!**

سوسیالیسم پاخیز!

برای رفع تبعیض

اخبار کارگری از کردستان

برگرفته از سایت اتحادیه

کارگران کارخانه نیرو رخس در سنندج فردا دست به اعتصاب خواهند زد

کارفرمای کارخانه نیرو رخس مدت سه ماه است که دستمزدهای کارگران این کارخانه را پرداخت نکرده است. از طرف دیگر با وجود سرمای شدید در سنندج، کارفرما تاکنون از تعبیه دستگاههای گرمایشی در سالی که کارگران در آن مشغول بکار هستند خودداری کرده است. کارگران نیرو رخس در اعتراض به این وضعیت و عدم پرداخت دستمزدهایشان، روز شنبه اعلام کردند که از یکشنبه صبح دست به اعتصاب خواهند زد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ضمن حمایت از اعتصاب کارگران نیرو رخس، اعلام میکنند که عدم پرداخت ب موقع دستمزد کارگران یک دزدی آشکار از سوی کارفرمایان از دستمزدهای زیر خط فقر کارگران است و باید عدم پرداخت ب موقع دستمزدها به هر بهانه ای که باشد قانونا جرم تلقی گردد.

اعلام تعطیلی کارخانه شاهو از سوی کارفرما

روز شنبه ۳ آذر ماه کارفرمای کارخانه شاهو ضمن ترخیص سرویس ایاب و ذهاب این کارخانه، بطور شفاهی از کارگران شاهو خواست از یکشنبه ۴ آذر بمدت سه روز بر سر کارهای خود نیایند، وی به کارگران اعلام کرد که می خواهم کارخانه را تعطیل کنم و پس از سه روز آنرا طی بخشنامه ای بصورت رسمی اعلام خواهم کرد. در پی این وضعیت کارگران شاهو ضمن اعتراض به کارفرما اعلام کردند که ما بر سر کارهایمان حاضر خواهیم شد و از سرویسهای ایاب و ذهاب خود خواستند که طبق معمول آنان را به کارخانه بیاورد.

کارگران شاهو اعلام کرده اند که به شگردهای کارفرما برای تعطیلی کارخانه تن نداده و اجازه نخواهند داد پس از عمری زحمت و تلاش کارفرما براحتم کارخانه را تعطیل و آنان را اخراج کند.

اخراج ۲۸ نفر از کارگران کارخانه کارا صنعت

کارخانه کارا صنعت ۲۸ نفر از کارگران این کارخانه را که هر کدام از آنها، از شش تا هشت سال سابقه کار دارند اخراج کرد.

کارفرمای این کارخانه از زمان استخدام این کارگران، فقط یکبار آنهم در زمان شروع بکار، بمدت سه ماه بصورت موقت با آنان قرارداد نوشته و پس از آن تاکنون این کارگران بدون قرار داد در این کارخانه کار کرده اند.

کارگران کارخانه کارا صنعت از سال ۸۵ تا کنون در این کارخانه روزانه ۱۲ ساعت کار کرده اند، اما کارفرما دستمزد آنان را بر اساس ۸ ساعت کار پرداخت کرده و بیمه ۴ نفر از این کارگران را نیز بمدت ۴ سال رد نکرده است و هم اکنون بدون حق و حقوقی دست به اخراج ۲۸ نفر از این کارگران زده است.

در پی این وضعیت، کارگران اخراج شده به اداره کار شهرستان قروه شکایت کرده و اداره کار طی مذاکره ای علت تعطیلی کارخانه را از کارفرما جویا شده است. کارفرما علت تعطیلی کارخانه را نبود سرمایه برای تامین مواد اولیه ذکر کرده و علیرغم اعلام آمادگی اداره برای پرداخت ۲۸۰ میلیون تومان وام برای تامین مواد اولیه جهت شروع بکار کارخانه، کارفرما از پذیرش آن خودداری کرده است.

کارگران اخراجی این کارخانه می گویند مشکل کارخانه تامین مواد اولیه نیست، بلکه کارفرما با خرید مواد اولیه به قیمت کیلویی ۱۰۰۰ تومان آنرا در بازار آزاد به قیمت ۲۰۰۰ می فروشد.

کارفرمای کارخانه شاهو پس از اعلام شفاهی تعطیلی این واحد به کارگران، در مورخه ۳۰/۸/۸۶ طی نامه ای به اداره کار از مورخه ۱/۹/۸۶ رسماً کارخانه را تعطیل اعلام کرده و خواهان اقدامات لازم اداره کار برای قطع رابطه کاری این کارگران با کارخانه شاهو شده است.

کارفرمای کارخانه شاهو به دنبال ارسال این نامه به اداره کار از طرف دیگر سرویسهای ایاب و ذهاب کارگران را نیز مرخص کرده است.

بدنبال این وضعیت طی روزهای

گذشته کارگران شاهو خود راسا سرویسهای ایاب و ذهاب شان را بکار گرفته و بطور مرتب به کارخانه آمده اند و از طرف دیگر نماینده های آنان طی مراجعات مکرر به اداره کار و استانداری کردستان خواهان رسیدگی به وضعیت خود شده اند، اما تاکنون کسی به آنها جواب قانع کننده ای نداده است. به همین دلیل این کارگران دیروز مورخه ۵/۹/۸۶ طی نامه ای به مدیر اداره کار و امور اجتماعی استان کردستان که رونوشت آن را به اداره اطلاعات، استانداری کردستان، نیروی انتظامی، اداره کل صنایع و اداره روابط کار نیز داده اند، خواهان رسیدگی به مشکلات خود شده و اعلام کرده اند تا حل مشکلات خود و احقاق حق شان از پای نخواهند نشست.

اگر تا روز شنبه به خواستهای کارگران شاهو رسیدگی نشود، آنان دست به راهپیمایی خواهند زد

روز سه شنبه ۶ آذر ماه نیز کارگران تمامی کارگران شاهو که تعداد آنان ۶۳ نفر است در محل کار خود حاضر شدند و نماینده های آنان به اداره کار و استانداری کردستان مراجعه کردند اما جواب مشخصی به این نماینده ها داده نشد و فقط به آنان اعلام گردید، مسئله شما را پیگیری خواهیم کرد.

از طرف دیگر در همین روز ساعت ۱۱ صبح مامورین اداره اطلاعات سنندج به کارخانه آمده و با مدیر کارخانه بمدت یک ساعت به مذاکره پرداختند و پس از مذاکره با مدیر کارخانه، به کارگران اعلام کردند که طی نامه ای کتبی مسائل آنان را به استانداری کردستان منتقل کرده و به خواسته هایشان رسیدگی خواهد شد. کارگران نیز اعلام کردند که اگر تا روز شنبه به خواسته های آنان رسیدگی نشده و جلوی اخراج شان گرفته نشود با در دست داشتن پلاکاردهایی از محل کارخانه به طرف شهر راهپیمایی خواهند کرد تا عموم مردم را در جریان وضعیت خود قرار بدهند. این مسئله را امروز نماینده های کارگران به اطلاع اداره کار و استانداری کردستان نیز رسانده اند.

اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار ۶/۹/۱۳۸۶
www.ettehade.com

k.ekhradj@gmail.com

کارگران نیرو رخس سنندج همچنان در اعتصاب بسر می برند

کارخانه تا کنون از انجام آن سرباز زده است ۲- پرداخت دستمزدهای به تعویق افتاده آنها که مدت ۳ ماه است به کارگران پرداخت نشده است. ۳- سلف سرویس کارخانه که به صورت منظم و بهداشتی دایر باشد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از خواست و مطالبات کارگران کارخانه نیرو رخس قاطعانه حمایت می کند و از همه کارگران می خواهد که با اتکا به مجمع عمومی به مبارزه خود برای رسیدن به خواستههایشان ادامه بدهند. ما از کارگران بخشهای مختلف تولیدی و مردم آزادیخواه سنندج می خواهیم که از مبارزه کارگران نیرو رخس برای تحقق مطالباتشان پشتیبانی کنند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ آذر ۱۳۸۶
۲۶ نوامبر ۲۰۰۷

کارگران کارخانه نیرو رخس در ادامه اعتصاب خود در روز یکشنبه، روز دوشنبه ۵ آذر ماه نیز به اعتصاب خود ادامه دادند. کارگران نیرو رخس در ساعت کاری در محل کار خود حاضر شدند اما از انجام کار خود داری کردند. نمایندگان کارگران در خصوص خواستهای کارگران با مدیریت کارخانه مذاکره کردند که در نتیجه مدیریت کارخانه قول داده است تا چند روز آینده به خواستهای کارگران نیرو رخس رسیدگی کند. اما کارگران این کارخانه اعلام کرده اند تا به خواستههایشان پاسخ داده نشود، در محل کار حاضر شده اما همچنان از انجام کار خودداری خواهیم کرد.

لازم به توضیح است که خواست کارگران نیرو رخس، ۱- تعبیه دستگاههای گرمایشی در سالی است که کارگران در آن مشغول بکار هستند و مدیریت

ایسکرا برنامه ای از یدی محمودی

شما می توانید از طریق تلویزیون کانال جدید

روزهای سه شنبه، پنجشنبه و یکشنبه

از ساعت ۳:۰۰ تا ساعت ۵ بعدازظهر به وقت تهران

برنامه های ایسکرا را نگاه کنید.

این برنامه ها روز بعد از ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱ بعدازظهر

تکرار خواهد شد.

برنامه های ایسکرا را به دوستان و آشنایانتان معرفی کنید و

برای ایسکرا گزارش و خبر بفرستید.

مشخصات فنی: ماهواره هات برد ۸

فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۳/۴

پلاریزاسیون عمودی - Vertical

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷



اخباری از شهرهای کردستان

سنندج: روز شنبه گذشته دادگاه انقلاب سنندج محمد احمد نژاد معلم و ساکن شهرستان بانه را به ۴ سال حبس محکوم کرد. پیش از این نیز ایشان را به اتهام فعالیت سیاسی و توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی دستگیر و به مدت ۲۰ روز در بازداشتگاه تحت فشار و بازجویی قرار داده بودند که با وثیقه ۳۰ میلیون تومانی آزاد شده بود. او همچنین جز چندمین معلم بازداشت شده در شهرستان بانه است.

کامیاران: ماسوران لباس شخصی رژیم با مراجعه به یکی از مدارس این شهر، اسماعیل رشیدی از معلمین این مدرسه را در برابر چشمان دانش آموزان و در عین تدریس به مکان نامعلومی بردند. نحوه دستگیری، دستبند زدن و توهین به این معلم، از جانب دانش آموزان و دیگر معلمان مدرسه با اعتراض رویرو شد. ایشان نیز جز چهارمین معلمی است که در کامیاران دستگیر شده است.

قبل از او، ۳ معلم دیگر به اتهام همکاری با احزاب و انجام فعالیت سیاسی دستگیر شدند. فرزند کمانگر یکی از این معلمین دستگیر شده می باشد که یک سال است در بازداشت نیروهای امنیتی و تحت فشار و شکنجه قرار دارد. دو هفته

قبل فرزند کمانگر را برای دومین بار به زندان اوین انتقال دادند.

سنندج: در سنندج یکی دیگر از فعالان زن به اسم نیشتمان احمدی دستگیر شد. نیشتمان احمدی را چهارشنبه گذشته به هنگام ترک منزل یکی از دوستان خود دستگیر کردند و تا کنون از محل نگهداری و وضعیت او اطلاعی در دست نیست. ایشان هم سومین فعال زن دستگیر شده طی دو هفته اخیر است. قبل از او روناک صفارزاده و هانا عبیدی از فعالین دفاع از حقوق زنان دستگیر شده بودند.

همچنین پنجره فتحی نویسنده و مترجم نیز با حکم ۵ سال حبس روبرو شد. در حال حاضر هر چهار نفر در وضعیت نامشخصی بسر می برند.

این در حالی است که هنوز از سرنوشت و وضعیت دستکم دو فعال حقوق زن و ۶ معلم دیگر در بازداشتگاه های رژیم در شهرهای مختلف کردستان خبری در دست نیست.

اقدام نهادهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم در هماهنگی با مراجع قضایی، ادامه همان سیاست سرکوب، ایجاد فضای خفقان، رعب و وحشتی است که حکومت اسلامی در ماههای اخیر علیه کارگران،

معلمان، زنان و دانشجویان و دیگر بخشهای مختلف مردم براه انداخته است. این سیاست سیاسی شکست خورده است که از سرزبونی و برای تداوم و بقای حکومت به میدان آورده شده است. باید با تمام توان در مقابل این سیاست ایستاد و آنرا به شکست کامل کشانید. با تجمع و اعتراض دسته جمعی و متحد در مقابل آموزش و پرورش و دیگر نهادهای حکومت، نسبت به این دستگیریها اعتراض کنید و خواستار آزادی فعالین حقوق زن و دیگر معلمان بازداشت شده شوید. دستگیر شده گان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند

پیرانشهر: کشته شدن یک کاروانچی دیگر بدست نیروهای رژیم روز ۲۶ آبان ماه یک کاروانچی دیگر به اسم محمد ۳۰ ساله، دارای همسر و دو فرزند، در کوههای اطراف پیرانشهر معروف به پشت کانال (مورد اثبات گلوله مزدوران رژیم قرار گرفت و بعد از دو روز در ۲۸ آبان ماه جان خود را از دست داد.

طی ۳ ماه گذشته تا کنون بیش از ۱۵ نفر از کارگران مرزی (کاروانچیها) در مناطق مختلف مرزی در اطراف پیرانشهر مورد اثبات تیراندازی نیروهای رژیم قرار گرفته و جان خود را از دست داده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن تسلیت به خانواده و بستگان محمد، این حرکت ضد بشری مزدوران رژیم را بشدت محکوم می کند و از مردم آزادیخواه و شرافتمند پیرانشهر و شهرهای اطراف می خواهد که متحدانه و یکپارچه، نسبت به این اعمال وحشیانه اعتراض کرده و با اعتراض خود مانع از ادامه جنایات نیروهای مزدور رژیم شوند.

سنندج: احضار مجدد یک دانشجوی سابق دانشگاه کردستان به دادگاه.

عبید زارعی، از دانشجویان فعال سابق دانشگاه کردستان از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج برای بار دوم به دادگاه احضار شده است. وی باید در تاریخ ۱۷ آذرماه خود را به دادگاه معرفی نماید. اتهامات این دانشجو هنوز مشخص نشده است. شایان ذکر است که عبید زارعی، در تاریخ ۲۱ مردادماه سال جاری نیز از سوی شعبه ۴ دادگاه مریوان به اتهام تبلیغات علیه نظام احضار شده و پرونده وی متعاقباً به دادگاه سنندج احاله شده بود.

اشنویه: درگیری جوانان اشنویه با اوباش بسیجی در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۵ شماری از بسیجیان رژیم که به مناسبت هفته بسیج در اشنویه در حال انجام مانور بودند،

تحت فشار روانی مردم مجبور به پایان دادن به مانور خود شده و از نیروهای انتظامی تقاضای کمک کردند. پس از این اقدام نیروهای رژیم، جوانان اشنویه و نیروهای انتظامی با هم درگیر شده و به دلیل مقاومت شدید جوانان، نیروهای رژیم مجبور به ترک محل درگیری شدند.

مهاباد: اعتصاب غذا و دوختن لبهای ۴ زندانی در زندان مهاباد ۴ زندانی که در زندان شهر مهاباد به سر می برند در اعتراض به احکام صادره و یا بلاتکلیفی خود دست به اعتصاب غذا زده و لبهای خود را دوخته اند.

“ملا مامند محمد” تبعه عراق که به اتهام قاچاق اسلحه و ورود غیرقانونی به ایران به ۳ سال و نیم زندان محکوم شده و ۱۴ ماه است که در زندان مهاباد به سر می برد، “نوزاد عزیز محمد” تبعه عراق که به ورود غیرقانونی به ایران متهم شده و بیش از ۵ ماه است در بلاتکلیفی به سر می برد، “توفیق گودرزی” اهل پیرانشهر که به اتهام اغتشاش به زندان محکوم شده و “عزیز افشین” که به اتهام نگهداری مواد مخدر ماههاست بلاتکلیف می باشد، ۴ فردی هستند که اقدام به اعتصاب غذا و دوختن لبهای خود نموده اند.

مرکز خبری کمیته کردستان

بیانیه مشترک تعدادی از کارگران مجتمع های پتروشیمی های منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

پتروشیمی بندر امام پتروشیمی فن آوران پتروشیمی اروند پتروشیمی مارون پتروشیمی فجر پتروشیمی فارابی پتروشیمی کارون پتروشیمی غدیر

علیه جنگ و فضای سیاسی - اقتصادی جنگی ایجاد شده از طرف دولت های ایران و آمریکا به : همه احزاب و سازمانها کارگری و انساندوست، سایتهای اینترنتی و وبلاگهای فارسی زبان در ایران و جهان

با سلام ما تعدادی از کارگران مجتمع های بالا، بدینوسیله صدای اعتراض خودمان را به جنگ و فضای جنگی

تحریم های در حال اعمال از طرف امریکا و دول غربی و متقابلا سیاستهای آماده سازی جامعه برای مقابله با تحریمها که از طرف دولت ایران به مردم تحمیل میشود، همه مستقیم و غیر مستقیم بر علیه کارگران و مردم عمل میکنند . ۴- تلاش برای ایجاد فضای جنگی از هر دو طرف مخاصمه، تلاش برای حمله بیشتر به مبارزات جاری کارگران و زحمتکشان و حمله به سطح معیشت مردم و کارگران است. بطوریکه هنوز هیچ گلوله ای از سلاحها شلیک نشده، اقتصاد جنگی دارد شکل میگیرد و گرانی و تورم بیداد میکنند . ۵- در شرایطی که مردم، کارگران و دانشجویان در ایران در حال مبارزه علیه بی عدالتی و ظلم، و بر علیه هرگونه فشار اقتصادی و سیاسی هستند و همه روزه گوشه ای از آن را در مبارزات کارگران نیشکر هفت

همراهی با ما بلند کنند . ۸- اطمینان داریم که در جهان امروز، کارگران و مردم جهان بشریت متمسکین قادر است، با اتحاد عمل، از وقوع فجایع جنگی و امروز مشخصا از وقوع جنگی که احتمال دارد رخ دهد، جلوگیری کنند . اینرا ۱۵ فوریه سالهای گذشته، که بشریت متمسکین در جنبش علیه جنگ و حمله امریکا و متحدانش به عراق و همچنین حمایت های جهانی از کارگران ایران را به نمایش گذاشت، ثابت نموده است . دست همه انسانهای شریف و انسان دوست را میفشاریم .

زنده باد اتحاد کارگران جهان و مردم متمسکین علیه جنگ
۲۲ آذر ۱۳۸۶ - ۲۵ نوامبر ۲۰۰۷

چرا خواندن کاپیتال لازم است؟ به رسم یاد بودی از ۸ یکشنبه با کاپیتال مارکس!

شده. مقولاتی که برای شناختن جامعه موجود ضروری است و ویژگی های جامعه سرمایه داری، یعنی کارمزدی، و مفاهیم پایه ای چون کالا و پول، انباشت سرمایه، از خود بیگانگی انسان، فیتیشیسم کالایی، ارزش اضافی، تئوری بحران سرمایه داری و گرایش نزولی نرخ سود و... مورد بحث قرار گرفت و

جواب دقیق و تئوریک نداشتیم. به هر حال ما اسم نویسی کردیم و جلسات شروع شد. ۸ یکشنبه پی در پی، کلاسهای بازخوانی کاپیتال مارکس مثل برق و باد گذشتند، اما شروع کلاس جالب بود و آن اینکه ما کاپیتال را بجای آنکه از اول شروع کنیم، از آخر و از دو ضمیمه ای که در آخر کتاب چاپ شده است شروع کردیم و بحثهای جالبی هم بین ما در گرفت. سراغ تزه های مارکس در باره فوئرباخ رفتیم، با کتاب ایدئولوژی آلمانی آشنا شدیم.

کلاس به چند گروه تقسیم می شد و همه گروهها بعد از بحث و تبادل نظر موضوع مطرح شده را توضیح میدادند.

توصیه ما بجز اینکه این کتاب را حتما بخوانید، یکی هم این است که حتما اول، دو ضمیمه آخر را بخوانید.

مسئله مهم در فهم مطلب مخصوصا بخش ارزش، انتزاع و تجریدی است که مارکس برای توضیح مقولات مجرد بکار برده. مفاهیمی مثل ارزش، کار مجرد، و... ما این روش را در جلسات باز خوانی کاپیتال فهمیدیم و بارها تمرین و تجربه کردیم که آبتراکشن واقعی و علمی چیست. مشخص، مجرد، مشخص و از خاص به عام رفتن واقعا یعنی چه.

از موارد بسیار مهم در این جلسات، از جمله این بود که کتاب کاپیتال یک نقد سلبی - انقلابی به کارکرد سرمایه داری است. این کتابی در باره اقتصاد بطور کلی نیست. به لحاظ مضمونی یک نقد کمونیستی و پراتیک است. جدا از جنبه اثباتی و مستدل آن که جای تردیدی برای خواننده باقی نمی گذارد. جنبه سلبی آن، دریچه ای است که از منظر آن، جهان و مفاهیم اساسی آن یکدیگر دگرگون میشود.

جلساتی که در آن، این اصل پایه ای علم مارکسیسم که زیر بنای اقتصادی هر جامعه شعور اجتماعی آن جامعه را میسازد عمیقا بحث

برگزاری جلسات بازخوانی کاپیتال برای ما از چند جنبه اهمیت داشت، اول اینکه ما این کتاب بسیار مهم را خوانده بودیم، دو سه باری هم که سراغش رفتیم، در همان بخش اول ماندم و پیشش نرفتیم. انگار این طلسمی شده بود که نمی توانستیم بازش کنیم. واقعا اگر کسی از ما می پرسید کتاب کاپیتال یا بقول منصور حکمت، انجیل کارگران را خوانده اید؟! راستش مانند بودیم چه جوابی بدهیم، بگوئیم سخت است! نمیفهمیم؟! بگوئیم چندبار سراغش رفتیم اما نشد ادامه بدهیم!؟

باور کنید ترجمه جدید که به همت و تلاش تحسین برانگیز جمشید هادیان منتشر شد، نور امیدی در دل ما تابید ترجمه جدید و مقدمه جالبی که مترجم نوشته بود حسابی ما را گرفت. مطمئن شدیم که حتما فهم مطالب راحت تر خواهد شد. اما از شما پنهان نباشد، علیرغم اینها، بخش اول هنوز هم برای ما سنگین بود. یعنی راستش ما متد مارکس را خوب متوجه نمی شدیم.

تا اینکه اطلاعیه برگزاری باز خوانی کاپیتال در شهر استکهلم منتشر شد. خوب این دیگر یک فرصت جدید بود. سبک کار جلسات که کار گروهی و شرکت فعال در مباحث بود، بیشتر ما را جلب کرد. مخصوصا یک جمله ای در آخر اطلاعیه بود که عین آنرا از خود اطلاعیه اینجا نقل میکنیم:

فراموش نکنید که کتاب کاپیتال کلید حل معمای سرمایه داری است، مارکس در این باره می گوید: «سرمایه کار مرده است، کار مرده ای که مانند خفاش خون آشام تنها با مکیدن کار میتواند زنده بماند و هرچه بیشتر کار بکند بیشتر زنده می ماند».

راستی سرمایه چیست؟! کار مرده یعنی چه!؟

همین جمله بالا خودش سببی شد، چرا که اگر یکی از ما پرسد سرمایه چیست، کار مرده یعنی چه،

ساده می شود. به حسب اینکه حاصل بکار نگرستن کدام نقد اساسی به سرمایه داری است و چگونه مالکیت دولتی بر وسایل تولید بجای آرمان مالکیت جمعی و اشتراکی و از بین بردن کار مزدی و مالکیت خصوصی بیش از هفتاد سال تسمه از گردن کارگر روسی کشید و با انبوهی از فقر و درماندگی و شکست انقلابش، در دریایی از مصائب غوطه ورش کرد. در این هشت هفته آن که کاپیتال



را خوانده بود با علاقه به عمیق کردن آموخته هایش پرداخت و آنکه نخوانده بود با شرکت فعال در بحثها، بی برد که از بدست گرفتن آن و خواندنش نباید بترسد. کاپیتال را میشود و باید خواند و بیشتر از خواندن باید فهمید و بکار بست. در خاتمه ضمن تشکر از رفیق سیامک بهاری که با ابتکار و همتش این کلاسهای پربار و پر از فراگیری ممکن شد، با آمادگی و تسلطش مقولات را برایمان ساده کرد و با کارگروهی، شرکت فعال ما را در مباحث ممکن کرد و البته با امتحانهای کتبی و شفاهی که اصلا هم آسان نبود، هر یکشنبه "حال ما را جا آورد".

او به یادمان آورد که به سراغ این اثر جاودانه که به ما می آموزد سرمایه داری چگونه کار میکند، بنیادش بر چه استوار است و وجوه مشخصات آن کدام است برویم و کاربست عملی نقد مارکس را فرا گیریم.

جای آن هم هست که اشاره کنیم، دوستان دیگری هم در کلاسهای ما شرکت کردند که پیشتر آنها را نمیشناختم، دوستانی که شیفته اندیشه مارکس شدند. بعنوان نمونه دوست عزیز می به نام جعفر که در آخرین روز کلاس شعری در وصف

مارکس سرود و به یادگار پشت قاب عکسی که به رسم تشکر برای رفیقمان سیامک بهاری تهیه کرده بودیم نوشت. با اجازه خودش این شعر را هم در آخر اضافه می کنیم. امیلواریم با نوشتن این سطور توانسته باشیم تشویقی باشیم هم برای آنها که هنوز به سراغ این کتاب نرفته اند و هم اینکه این کلاسها امیلواریم ادامه پیدا کند و رفیق سیامک باز هم برگزاری این کلاسها را ادامه دهد.

با تشکر و سپاس
محمد امیری، افسانه وحدت
۲۲ نوامبر ۲۰۰۷

این هم شعر دوست عزیزمان
جعفر:

دوباره جانی گرفته ام از کتاب
مارکس

یاران بخوانید همه کارهای
مارکس

سرمایه اش که سر مایه های
اوست

آن کارنامه رنج چهل سال
مارکس

هم اقتصاد و سیاست، هم تاریخ
و فلسفه

آمیخته شد به پویایی در کتاب
مارکس

چون با نگاه مارکسی به تاریخ
بنگری

در بند مانده آزاد میشود از نگاه
مارکس

نیرو گرفته اند رنجبران جهان،
از دانشی که پراکنده در پناه
مارکس

یاران دلم گرفته است از
ستمرگان هنوز

فصلی دگر بخوانید از
شاهکارهای مارکس

همدلانه می رویم به پایان رنجها
با صد درود به یاران و یار نیک
مارکس

تقدیم به یار نیک و آموزگار
دلسوز سرمایه و آثار انقلابی و
زندگی ساز، رفیق سیامک بهاری

۲۰۰۷/۱۱/۱۱
جعفر جعفر نژاد

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!